فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc530054062)

[دائره روابط اجتماعی و اصول معاشرتی 2](#_Toc530054063)

[تصویر اول از دائره بحث: روابط بدون قید و شرط 2](#_Toc530054064)

[اشکال تصویر اول 3](#_Toc530054065)

[تصویر دوم از دائره بحث: روابط اجتماعی با قیود مضیق 4](#_Toc530054066)

[ملاحظات 6](#_Toc530054067)

[1 – رعایت نظام طبقه‌بندی فقه 6](#_Toc530054068)

[2 – انواعی از بیان مباحث مرتبط با روابط اجتماعی در آثار 7](#_Toc530054069)

[جمع‌بندی 8](#_Toc530054070)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی /مقدمات

# مقدمه

بحث ما در مقدمات فقه روابط اجتماعی بود که ظاهراً تا الآن پنج جلسه داشتیم.

به بعضی دیگر از نکات در مقدمات می‌پردازیم تا وارد در مباحث بشویم.

همان‌طور که قبلاً صحبت شد، آنچه در این بحث روابط اجتماعی و این باب از ابواب فقهی می‌تواند مطرح بشود، در منظر اول به دو شکل قابل تصویر است از حیث دائره این روابط اجتماعی و اصول معاشرتی که بین انسان متصور است.

#  دائره روابط اجتماعی و اصول معاشرتی

## تصویر اول از دائره بحث: روابط بدون قید و شرط

یک دائره؛ دائره بسیار وسیعی بدون هیچ قیدی در طرف رابطه است، به این معنا که بگوییم؛ اصول ارتباطی که مکلف با هر فردی در این عالم با هر قید و شرطی که دارد. روابطی که بین شما به‌عنوان یک مکلف هست، با یک انسان دیگری با هر ویژگی که آن انسان داشته باشد.

رابطه و اصول ارتباطی که باید به آن در ارتباط با یک انسان دیگری با هر قید و شرطی توجه بکنیم، انسان مؤمن یا مسلمان یا فردی که حاکم است یا فردی که طرف معامله اقتصادی ماست یا فردی که قاضی است که به آن مراجع کردیم یا استاد یا شاگرد است و رنگ‌های مختلفی که در آن‌طرف ارتباط می‌تواند وجود داشته باشد.

این یک تصویر است که بگوییم فقه روابط اجتماعی را که پایه‌ریزی می‌کنیم، یعنی اصول معاشرت و ارتباط با انسان دیگری با هر قید و شرطی که هست.

آن مرحله عالی مقصود است که هیچ قید و شرطی در آن نیست، رابطه من با یک انسان دیگری از حیثی که انسان هست یا اینکه یک قیدی بخورد، مثلاً انسانی که مسلمان یا مؤمن است یا پدر یا برادر یا استاد یا قاضی است و امثالهم.

ارتباط من با دیگری، می‌تواند در این «دیگری» از حیث انسانیتش هیچ قیدی در آن نباشد، می‌تواند هم قیدی بخورد، آن قید از عام به خاص می‌تواند یک طیف وسیعی را بگیرد.

این شخصی که طرف ارتباط و معاشرت است یا مسلمان یا مؤمن یا استاد یا قاضی و امثالهم است، این یک تصویر از مباحث فقه روابط اجتماعی و اصول معاشرت اجتماعی یا روابط میان فردی است که رابطه مکلف با دیگری به جمیع انحاء و قیود، دیگری هر طوری که می‌خواهد باشد.

این یک تصویر اولیه است که می‌شود از فقه روابط اجتماعی ارائه کرد و به‌عبارت‌دیگر موضوع و متعلق در رابطه دارد، متعلق تکلیف مثل احترام گذاشتن یا اکرام کردن و امثالهم از عناوین ارتباطی است.

متعلق آن یک انسانی می‌شود، در متعلق تصویر اولی ما این است که متعلق این آداب و اصول معاشرت می‌شود بدون هر قیدی باشد و شامل همه انحاء انسان‌هایی که متعلق این تکالیف قرار می‌گیرند، با هر قیدی یا بدون هر قیدی باشند، بدون قید که انسان بما هو هو یا با قیدی به او می‌خورد، قیدها هم یا عام یا خاص باشد، مثل پدر و مادر و طرف معامله و دوست و امثالهم.

در این فقه روابط اجتماعی؛ اصول و آداب و قواعد ارتباط خودمان را با دیگری به معنای مطلق محل بحث قرار می‌دهیم که موضوع می‌شود رابطه با دیگری که آن دیگری که متعلق این موضوع است، عام عام است، هیچ قیدی ندارد، این یک تصویر است که ابتدا این‌طور به ذهن می‌آید.

# اشکال تصویر اول

مشکلی که این تصویر دارد این است که اگر بخواهیم این‌قدر عام بگیریم، یک تداخلی با ابواب فقهی پیدا می‌کند، مثلاً در آنجایی که می‌گوییم: رابطه با خانواده یا پدر و مادر و همسر، اصول ارتباطی با او را می‌شود در کتاب نکاح و ابواب مرتبط با آن قرار داد - بعضی هم آمده است - یا وقتی می‌گوییم که رابطه شما با طرف معامله، کسی که طرف معامله اقتصادی شما قرارگرفته است، می‌شود در کتاب البیع و ابوابی به این صورت به آن پرداخت، بعدش هم پرداخته شده است، در اصول مستحبات و مکروهاتی که در کتاب البیع ذکر شده است، در مکاسب و لمعه ذکر شده است، بخش‌هایی از آن همین آداب است، مثل اکرام و احترام کردن، بعضی از آداب و معاشرت‌ها الزامی و بعضی غیر الزامی است یا مثلاً قاضی نسبت به کسی که به او مراجعه می‌کند، این آداب را رعایت بکند یا آن فرد نسبت به قاضی رعایت بکند یا ارتباط استاد با شاگرد در فقه تعلیم و تربیت یک باب تولیدشده بالفعل فقهی می‌شود به شمار بیاید، پرداخته می‌شود.

این محذوری است که در تصویر اول وجود دارد که اگر بگوییم: موضوع فقه روابط اجتماعی؛ رابطه اجتماعی با دیگری بدون هیچ قید و شرطی باشد، این یک تصویر عام و کلی است، اگر این مسئله را بگوییم یک تداخلی با ابواب موجود پیدا می‌کند.

همه ابواب موجود فقهی به طور کامل به این مطالب نپرداخته است، اما جا دارد که بپردازد، به‌عنوان‌مثال روابط خانوادگی یک بخش‌هایی از آن در کتاب نکاح ذکر شده است، اما بعضی از بخش‌های آن نیامده است، گرچه در ابواب روایی این کتب ذکر شده است، اما در ابواب فقهی زیاد ذکر نشده است، ما در ابواب موجود خلأ آداب معاشرت‌ها داریم، اما اگر بخواهیم همه آن‌ها را در این کتاب روابط اجتماعی قرار بدهیم یک نوع درهم‌ریختگی و تداخلی پیدا می‌شود، گرچه خلأ هم وجود دارد.

این تصویر خیلی عام و مطلق گرفتن روابط اجتماعی از حیث متعلق آن‌ها است، متعلق این روابط اجتماعی یک انسان دیگری ولو با چندین قید و شرط است، کسی که دوست یا رفیق یا همسر یا استاد یا شاگرد یا قاضی و امثالهم است، همه این‌ها را می‌شود در این مفهوم عام گنجاند و بگوییم فقه روابط اجتماعی به همه این‌ها می‌پردازد، اما مشاهده می‌کنیم که این مسئله موجب یک نوع به‌هم‌ریختگی این قفسه تنظیم کتب فقهی می‌شود و چون تداخلی ایجاد می‌کند، خیلی وجهی ندارد.

## تصویر دوم از دائره بحث: روابط اجتماعی با قیود مضیق

ازاین‌جهت است که ما این تصویر اول را کنار می‌گذاریم و سراغ تصویر دوم می‌رویم که در تصویر دوم محدوده بحث روابط اجتماعی مضیق‌تر می‌شود و تضییقی که الآن ما پیشنهاد داریم و فعلاً مبنای عملمان هست، این است که در تصویر دوم می‌گوییم: روابط اجتماعی مکلف با انسان‌های دیگر از حیث انسانیت یا با چند قید از قیود کلی که با ابواب فقهی دیگر تداخل ایجاد نمی‌کند:

1 – با انسان دیگر بما هو انسان

2 – بما هو متدینٌ به دینی از ادیان

3 – بما هو متدینٌ بالادیان الالهیه

 4 – بما هو مسلمٌ

5 – بما هو مؤمنٌ

6 – بما هو معتقدٌ بالإمامه

7 – بما هو شیعةٌ اثنی عشری

این هفت دائره را در بحث فقه روابط اجتماعی موردبحث قرار می‌دهیم، این موجب تداخل با هیچ‌چیزی در فقه موجود ما نمی‌شود، این راز این است که ما به سمت تصویر دوم آمدیم.

درواقع می‌گوییم که اصول و قواعد و ضوابط اسلام در روابط با دیگران، بایدها و نبایدهایی که اسلام در روابط با دیگران آورده است، این از منظر کلان به دو قسم تقسیم می‌شود:

1 – قسم اول این است که در آن قیدی جزء انسانیت و قیود عام خیلی کلی، یعنی حدود پنج قید نیست، یعنی بما هو انسانٌ متدینٌ بدینٍ یا متدینٌ بالادیان الهی یا مسلمٌ یا مؤمنٌ.

اولی یعنی دین را ملحوظ نمی‌کند، آیا ما در ارتباط با دیگران بدون لحاظ دین اصلاً چه ضوابط و قیودی داریم؟

این تقسیماتی که بیان کردیم، حاصل چند تقسیم صناعی است که به این شکل می‌رسد.

در این بخش ما نگاهمان به آن جنبه اعتقادی است، بود یا نبود اعتقاد است، منتهی در قسم اولی نبود یک اعتقادی و در بعدی‌ها یک نوع اعتقادی هست.

2 – قسم دوم؛ از قیود دیگری که محدودتر از غیر از این‌ها است، قیودی که بحث خانواده، روابط اقتصادی، اجتماعی و امثالهم است که دخالت می‌کند و دائره را محدودتر می‌کند.

بنابراین ما برای اینکه فقهمان نظمش محفوظ بماند و درعین‌حال یکجایی هم که خلأ دارد، آن را جواب بدهیم، پیشنهادمان دومی است.

اگر بخواهیم این اصول و قواعد روابط میان انسان‌ها را به معنای مطلق مطلق در همه طیف‌هایش موضوع این کتاب فقهی قرار بدهیم، معنایش این است که با انواعی از کتاب‌های دیگر فقهی، نقاط تلاقی پیدا می‌کند، هم‌پوشانی پیدا می‌کند و تداخل پیدا می‌کند، به این دلیل است که ما راه اول را نمی‌رویم که دائره را آن‌قدر وسیع در موضوع فقه روابط اجتماعی بگیریم، بلکه دائره را به رابطه مکلف با انسان‌های دیگر از حیث انسانیت محدود کردیم یا از حیث تدین به دینی یا از حیث اهل کتاب یا از حیث اسلام یا از حیث مؤمن و شیعه بودن، روابط عام اجتماعی با این چارچوب‌ها و قواعد.

در رابطه انسان با انسان‌های دیگر، اگر بگوییم که انسان‌های دیگر با قید طرف معامله، طرف زندگی خانوادگی، طرف قضایی، طرف حکومت و امثالهم، این‌ها چون ابواب موجود دارد، نباید در روابط فقه اجتماعی بیاوریم.

فقه روابط اجتماعی با این مقدماتی که امروز گفته شد، منحصر در بیان اصول و قواعد و ضوابط تنظیم‌کننده رابطه من با انسان دیگر از حیث انسانیت یا در تدین است.

در این چندلایه می‌تواند این فقه و این کتاب جدید ورود پیدا بکند و به همان ترتیبی که گفتیم به بحث بپردازد.

در اینجا اشخاص حقیقی و با چند قیدی که بیان شد مدنظر است.

# ملاحظات

دو ملاحظه در اینجا وجود دارد:

## 1 – رعایت نظام طبقه‌بندی فقه

وقتی وارد بحث‌ها می‌شویم، احیاناً ممکن است که برویم در عناوین خاص‌تر هم بحث بکنیم، این مانعی ندارد، منتهی نظام تفکیک شده موضوعی مشخص باشد، مثلاً ممکن است ما در اینجا وقتی بحث اکرام و تکریم می‌رسیم، به‌عنوان یک اصل در روابط عام اجتماعی در آن چند سطح، بگوییم این اکرام و تکریم نسبت به پدر و مادر یا خانواده هم وارد شده است، برای اینکه بحث کامل و منسجم در حوزه اکرام و تکریم، حسن ظن و امثالهم کامل بشود، در عناوین خاص‌تر هم بپردازیم، برای اینکه بسته بحثمان کامل بشود.

درعین‌حال باید تفکیک موضوعی را توجه داشت، یعنی مثلاً الآن وارد بحث حسن ظن به دیگران می‌شویم، ممکن است تا حسن ظن در خانواده را هم بحث بکنیم یا اکرام و تکریم را که بحث می‌کنیم، در خانواده و استاد و شاگردی هم بحث بکنیم، اما درعین‌حال جای آن بحث ازلحاظ چینش طبقات ابواب فقهی اینجا نیست، بلکه آنجا می‌رود، منتهی از یک منظر دیگر، چون یک موضوعی را بحث می‌کنیم، دوست داریم که کامل بحث بکنیم، یعنی بگوییم که اکرام و تکریم در ارتباط با دیگران هم در سطح انسان، هم در سطح متدین به دینی، هم در سطح اهل کتاب، هم در سطح مسلمان، هم در مورد شیعه غیر اثنی عشری، هم در مورد شیعه اثنی عشری، هم در مورد طبقات خاصه دیگر؛ پدر و مادر، همسر، خانواده، فرزندان و امثالهم را هم بحث بکنیم.

می‌شود یک برش عام هم به موضوعی بزنیم، بگوییم که موضوع اکرام را من در همه ابعاد و لایه‌هایش از کلی‌ترین تا ریزترین لایه بحث می‌کنم، منتهی نباید بگوییم که همه این‌ها یک باب فقهی شد.

شاید در بعضی موارد ما هم به همین شکل عمل بکنیم، با رویکرد موضوع اکرام و تکریم با همه طبقاتش بپردازیم، اما به لحاظ چینش فقهی این‌ها در لایه عامش داخل این کتاب می‌آید و بقیه در ابواب دیگری می‌رود که البته جا هم دارد.

در مقام عمل از یک زاویه دیگر می‌توانیم بگوییم به طور مثال این موضوع را می‌خواهم به طور کامل با همه لایه‌هایش بحث بکنم و این مانعی ندارد، درعین‌حال مشخص است که این قسمتش در قفسه چیده می‌شود، این در قفسه دیگر چیده می‌شود.

اکرام و تکریم در لایه‌های عامش در فقه روابط عام اجتماعی می‌آید، در لایه خانواده در فقه خانواده قرار می‌گیرد، در لایه تعلیم و تربیتش در فقه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، اما شما این موضوع را در همه ابعاد و در همه لایه‌ها بحث کرده‌اید.

خوب مانعی ندارد که در بحث یک موضوع را در همه سطوح و لایه‌ها تکمیل بکند، اما این نظام طبقه‌بندی فقه را نباید به هم ریخت و هر چیزی در باب خاص خودش ارتباط دارد.

## 2 – انواعی از بیان مباحث مرتبط با روابط اجتماعی در آثار

 ملاحظه دیگر در ذیل تحلیلی که بیان کردیم این است که؛ بعضی از این لایه‌های ریزتر؛ کتاب‌های فقهی موجود دارد و آن کتاب فقهی موجود الآن هم هست و آن بحث روابط معاشرتی مرتبط با آن را باید در خود آن باب غنی‌سازی کرد، مثلاً در کتاب قضا یا نکاح و امثالهم است.

در آخر شرح لمعه خیلی از این ابواب اصول معاشرت دارد که ذکر شده است.

نوع اول این است که در همین کتاب‌های موجود به این‌ها پرداخته شده است، نوع دوم این است که کتابش موجود است، اما اصول معاشرتی آن موجود نیست که باید غنی‌سازی بشود و ذکر بشود.

نوع دیگر این است که اصلاً کتاب موجودی نیست، مثلاً فقه تعلیم و تربیتی در این کتب موجود نیست، در این صورت باید کتابش پایه‌ریزی بشود و اصول روابط مرتبط با آن کتاب هم در آنجا به آن توجه بشود.

غیرازاین انواع، یک نوعی هم هست که آن عبارت است از روابطی که کتاب فقهی ندارد، مثل همسایه، دوست و امثالهم، این‌ها زیاد ظرفیتی ندارند که بخواهیم یک کتاب فقهی برای آن‌ها بگذاریم، اگر به این شکل باشد که ظرفیت ساختن و پرداختن یک کتاب فقهی جدید ندارد، ممکن است استطراداً به نحوی در ابواب روابط عام اجتماعی بیاوریم.

# جمع‌بندی

یک تحلیل جامعی ارائه شد که دائره متعلق این روابط اجتماعی دارای یک طیف بسیار وسیعی است که می‌تواند در همه ابواب فقهی موجود و غیر موجود هم سریان پیدا بکند و اگر ما بخواهیم موضوع این کتاب جدید را بی‌قیدوشرط بگذاریم، تداخل پیدا می‌کند.

برای اینکه از آن رها بشویم و خلأ موجود را پر بکنیم، خلأ موجود فقه ما این است که روابط و ضوابط معاشرت‌های عام اجتماعی را ندارد، البته به صورت پراکنده مرحوم شیخ در مکاسب محرمه غیبت را بحث کرده است، اما این‌ها پراکنده است.

در اخلاق هم که ذکر شده، با یک منظر اجتهادی نیست و نگاهش هم اخلاق است، نیاز به این دارد که ما فقهی به این مسائل بپردازیم.

پس فقه روابط اجتماعی؛ فقهی است که به بررسی قواعد و اصول و ضوابط ناظر به روابط اجتماعی عام در پنج یا شش دائره انسانی می‌پردازد.

اما استطراداً ممکن است که به یک‌چیزهایی هم بپردازد که در فقه موجود جا ندارد، اما آنچه جا دارد و می‌شود در کتاب‌های بالفعل یا بالقوه فقهی گنجاند، اینجا محل بحث قرار نمی‌گیرد، ضمن آنکه مانعی ندارد در مقام بحث یک موضوعی را بگیرد، در همه سطوح و لایه‌ها، حتی سطوح و لایه‌هایی که در معاملات، نکاح و امثالهم است، توجهی بکند، این مانعی ندارد، اما درعین‌حال باید هوشمندانه این مرزها را رعایت کرد که این باب جدید فقهی هم مرزش با ابواب دیگر محفوظ باشد.

بیست سال قبل که فقه تعلیم و تربیت را پایه‌ریزی می‌کردیم، همین تلاش را می‌کردیم که مرزهای این کتاب جدید با بقیه ابواب تدقیق بشود.